

می‌توان به وعده‌ها امیدوار بود؟

عباس عبدي

آیا به وعده‌های طالبان باید امیدوار بود و آنها را پذیرفت؟ پاسخ روشن است. نه طالبان و نه هیچ سیاستمدار دیگری، به صرف اینکه وعده‌ای را داده‌اند قابل اعتماد نیستند. پس چه باید کرد؟ آیا همه دروغ می‌گویند؟ چگونه باید داور و ارزیابی کنیم؟ مگر سیاستمداری که راستگو باشد نداریم؟ آیا با این حساب سیاست ممتنع و غیرعملی نمی‌شود؟ برای پاسخ به این نکات باید گفت که در درجه اول بسیاری از سیاستمداران صادقانه وعده می‌دهند، ولی در عمل قادر به انجامش نمی‌شوند. اگر انجام نمی‌دهند نه به دلیل دروغگویی آنان، بلکه به دلیل جهل آنان است. برخی هم دروغ می‌گویند یا غیرشفاف سخن می‌گویند. پس ما باید چه کنیم؟ ما نباید تخم‌مرغ‌های خود را در سبد وعده‌های راست و دروغ دیگران قرار دهیم. در حقیقت وعده‌ها را بگذارید کنار. سیاست براساس هیچ وعده‌ای پیش نمی‌رود. سیاست براساس موازنه قوای اجتماعی است که شکل می‌گیرد. برای نمونه دموکراسی در غرب محصول وعده سیاستمداران آزادیخواه یا نظریات اندیشمندان غربی؛ مستقل از واقعیت اجتماعی آنها نبود. به این معنی چنین نبود که آنان به این نتیجه رسیده باشند که دموکراسی خوب است سپس همه مردم را به سوی نظام مردم‌سالار دعوت کرده باشند. دموکراسی به مرور شکل گرفت و محصول وضعیت اجتماعی خاصی بود که موازنه قوا میان نیروهای گوناگون ایجاد شد و هیچ‌کدام نمی‌توانستند یکدیگر را حذف کنند یا نادیده بگیرند و دموکراسی به عنوان شیوه زندگی جدیدی که سرجمع به نفع همگان بود پذیرفته شد. نهادهای نگه‌دارنده دموکراسی نیز کم‌کم شکل گرفت و آن را قوام بخشید. در جاهایی هم که این موازنه به هم خورد و زمینه برای ضدیت با آن فراهم شد، فاشیسم امکان ظهور پیدا کرد و بساط دموکراسی را برچید. ولی این تجربه نشان داد که شیوه‌های بدیل تا چه حد برای همگان زیان‌بار است و باید از آن پرهیز نمود. پس از تحقق زمینه‌ها و ضرورت‌های عینی پذیرش دموکراسی بود که اندیشمندان نیز به خوبی ابعاد ضرورت دموکراسی را توصیف و تبیین می‌کردند. هر جایی هم که زمینه‌های عینی دموکراسی و رعایت حقوق دیگران از میان رفت یا موجود نبود، دموکراسی نیز فراموش شد. انگلیسی‌هایی که در کشور خودشان پایبند دموکراسی بودند، هنگامی که پای‌شان به آفریقای جنوبی رسید رفتار

